

بررسی مبانی حقوقی مبارزه با مفاسد اقتصادی در حقوق کیفری ایران

سمیه رئیس دانایی^۱

^۱ کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه دانش البرز، فعال فرهنگی و دبیر دوره دوم دبیرستان نمونه دولتی فاطمیه (س)، استان قزوین

چکیده

فساد مالی و اقتصادی یک پدیده‌ای بزرگی تاریخی و اثرگذار در طول جامعه بشری بوده و امروزه هم به یک معضل جهانی تبدیل شده است، این رفتار ناپسند، به عنوان یکی از موانع بزرگ، بر سر راه پیشرفت کشورهای در حال توسعه نظیر ایران محسوب می شود، فساد از ریشه فسد و به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم بوده و در زبان لاتین با واژه Corruption که ریشه لاتینی Rumpere است بیان می‌شود، که به معنای شکستن و نقض کردن است و چیزی که شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند یک شیوهی رفتار اخلاقی، اجتماعی، قوانین و مقررات، یا قواعد اداری باشد. فساد به این معنا نه تنها که مانع رشد و تکامل جامعه شده بلکه بالاتر از آن جامعه را از اهداف تعیین شده اش باز می‌دارد؛ فساد اقتصادی صورتهای مختلفی دارد، گاهی به صورت آشکارا و علنی و گاهی هم به طور مخفیانه می‌باشد، مثل رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و غیره. در این ارتباط برخی مطالعات مختلف نشان داده است که عوامل اصلی که فساد را در جامعه افزایش می‌دهند عبارتند از: بوروکراسی، سطح دستمزدهای بخش دولتی، نقش قوانین به ویژه قوانین ضد فساد، دردسترس بودن منابع طبیعی درجه رقابت، تجارت آزاد و همچنین سیاست صنعتی کشورها در مقابل عده ای دیگر توجه خود را به آثار و عواقب فساد متمرکز کرده اند. این گروه نشان داده اند که فساد بر کارآیی اقتصاد، عدالت و رفاه اثر داشته است. بنا براین داشتن برنامه های جدید و خلاقانه برای مبارزه بافساد می بایست جزء برنامه های اصلی هر سازمان باشد. سیاستهای ضد فساد می توانند به رشد فعالیتهای اقتصادی کمک کنند، برای مبارزه خوب با فساد به یک برنامه و طراحی سیاست ضدفساد نیاز است، که در این تحقیق به مبانی و مصادیق جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: مبانی، مصادیق، جرم اقتصادی، حقوق کیفری

مقدمه

جرایم اقتصادی یکی از چالش های مهم جوامع در جهان کنونی بویژه در کشورهای در حال توسعه است که امنیت کشورها را تهدید می کند. گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جریان عمومی امور را به مخاطره می اندازد. جرایم اقتصادی و فساد در ایران به یکی از معضلات بسیار بزرگ کشور تبدیل شده و اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی بیش از پیش نمایان است. چالش هایی از قبیل عدم تعریف جرم اقتصادی، ضعف آمار و اطلاعات و در پیگیری و کنترل جرایم اقتصادی و مبارزه با آن وجود دارد. بر همین اساس در این تحقیق به تبیین و طراحی نظام جامع مقابله با مفسد اقتصادی در حقوق کیفری ایران پرداخته می شود. با وجود اینکه تلاش های زیادی برای مبارزه با جرایم اقتصادی و مقابله با آن صورت گرفته و قوانین متعددی در این راستا وضع و تدوین شده است، به نظر می رسد در عمل توفیق چندانی در این مسیر حاصل نشده که علل مختلف تقنینی، قضایی، اقتصادی، فرهنگی در این خصوص دخیل هستند. هر چند ارائه تعریف دقیق و تعیین همه مصادیق جرایم اقتصادی با توجه به گستردگی و تنوع بسیار آن دشوار است، با این حال از دیدگاه اقتصادی و از لحاظ درآمدها و هزینه های ناشی از جرایم و مفسد اقتصادی می توان به طراحی و طبقه بندی آن پرداخت. بدیهی است که برای پیشگیری، مبارزه، کنترل جرایم اقتصادی در کشور، مانند هر جرم دیگری شناسایی ریشه های وقوع آن بسیار حائز اهمیت است. در مطالعه حاضر بناست که مبانی و مصادیق جرایم اقتصادی و نحوه مبارزه با آن به بحث و بررسی گرفته شود.

(۱) مفهوم و ماهیت و جرایم اقتصادی

فساد اقتصادی به عنوان یک پدیده نامبارک در اکثر جوامع، به شکل های متنوع برای رسیدن به اهداف مختلف وجود داشته است. به منظور روشن شدن حقیقت این اصطلاح لازم است که به مفهوم و تعاریف این اصطلاح اشاره شود.

(۱-۱) مفهوم فساد اقتصادی

فساد در ترمینولوژی حقوق این گونه تعریف شده است: ۱. وصف عمل حقوقی که به جهت عدم رعایت قوانین فاقد هر گونه اعتبار باشد، مانند بیع صغیر یا محجور یا مست و یا معاملات بیهوده و در مقابل صحت بکار رفته است. ۲. وصف هر عمل خلاف شرع (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

در حقوق داخلی صرفاً در برخی قوانین و مقررات، مصادیقی از فساد و مجازات تخلف از این قوانین ذکر شده اما تعریفی از فساد ارائه نشده است. مفسد اقتصادی اصطلاحاً از جمله جرایمی است که باعث اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می شود و با خارج کردن این امور از مجرای صحیح خود موجب از بین رفتن عدالت اجتماعی، سلب اعتماد عمومی، افزایش فاصله طبقاتی، افزایش محرومیت و فقر توده کثیری از مردم در اثر انباشت ثروت برای عده قلیلی می شود که به دنبال برخورداری از امکانات نامشروع اقتصادی، بهره مندی و دسترسی سریع به اسناد و اطلاعات فرصت های غیرقانونی و

غیراخلاقی را برای چپاول اموال عمومی با سوءاستفاده از رانت های اطلاعاتی و بهره مندی از خلأهای قانونی برای خود فراهم می سازند. (خندان، ۱۳۸۷، ص ۷).

فساد از ریشه فسد است و در معنای عام خود به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است و در زبان انگلیسی با واژه Corruption و ریشه لاتینی Rumpere مطرح می شود که به معنای شکستن و نقض کردن است. بنابراین آن چیزی که ممکن شکسته یا نقض شود، می تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. طبق این معنا، فساد پدیده ای است که مانع از رسیدن مجموعه ای به اهداف و کارکردهای صحیح است. (تانزی، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

تعاریف فراوانی برای فساد ارائه گردیده است. رابرت ب. زولیک، رئیس بانک جهانی فساد اقتصادی را سرطانی می داند که از فقیران دزدیده، در امور حکومتی به مصرف می رساند و به این ترتیب موجب از بین رفتن اعتماد می گردد.

در تعریف دیگری از فساد به سوء استفاده از قدرت برای برداشت شخصی تعبیر شده است که در بردارنده مسائلی از جمله رشوه، کلاهبرداری، اخاذی، اختلاس و ... می شود (دی پیتازا، ۲۰۰۸). این نوع فساد پدیده جدید و نوظهوری نیست بلکه دارای قدمت می باشد. یکی از مسئولین کشور هندوستان ۲۰۰ سال پیش کتابی در زمینه فساد نوشته است. دانته و شکسپیر نیز که از نظریه پردازان قدیمی محسوب می شوند در زمینه فساد مطالب بسیاری گفته اند. در آثار بسیاری از کتب و مقالات سده های گذشته نیز مطالبی در باره روشهای مبارزه با فساد به چشم می خورد. طبق تعریفی که توسط شیلفر برای فساد بیان شده، فساد عبارت است از استفاده از اموال دولتی در جهت نفع شخصی.

در خصوص هشدار از خیانت به بیت المال می توان به نامه شماره ۲۰ حضرت علی (ع) به زیاد بن ابیه جانشین فرماندار بصره اشاره کرد که تأییدی بر قدمت داشتن بحث مبارزه با فساد می باشد. حضرت فرمودند: «همانا من، به راستی به خدا سوگند میخورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال درمانده و خوار و سرگردان شوی».

حفظ بیت المال و عدم سوء استفاده از امکانات مالی دولتی تحت هر شرایطی در حکومت علی (ع) مورد تأکید فراوان بوده است (محنت فر، ۱۳۸۷، ص ۸۷).

فساد مالی عبارت است از نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی، از فساد به عنوان یک بیماری نظیر سرطان و یا ایدز که به طور بی رحمانه از یک سازمان به سازمان دیگر و از یک نهاد به نهاد دیگر سرایت می کند تعبیر می شود، به طوری که موجب به تحلیل رفتن تمام نهادهای موجود می شود تا جایی که می تواند منجر به فروپاشی سیستم سیاسی حاکم شود. رواج فساد مالی یکی از مهم ترین موانع در راه پیشرفت های موفقیت آمیز اقتصادی به شمار می آید در این رابطه به یک نمونه عینی اشاره می کنیم.

به عنوان مثال در کشورهای آسیایی و آفریقایی، می توان اثر مخرب فساد مالی را در ممانعت از پیشرفت اقتصاد نام برد. فساد مالی می تواند موجب ناکارآمدی سیاست های دولتی شود. فساد موجب کاهش سرمایه گذاری و کاهش رشد اقتصادی می شود. فساد مالی می تواند فعالیت های سرمایه گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانتها و فعالیت های زیرزمینی سوق دهد. فساد اقتصادی به وجود آمدن سازمان های وحشتناکی مانند مافیا سازمان یافته را در پی خواهد داشت.

فساد گسترده و فراگیر علاوه بر ایجاد مشکلات مختلف اجتماعی فرهنگی می تواند یکی از نشانه های ضعف حاکمیت به شمار آید و عملکرد ضعیف حاکمیت می تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را در پی داشته باشد (محنت فر، ۱۳۸۷، ص ۸۹).

محققان فساد را به عنوان رابطه خاص جامعه و دولت تعریف کرده اند و بین فساد سیاسی و فساد اداری تمایز قائل شده اند. بخش بندی های تحلیلی وسیع دیگری نیز مانند (فساد عملکردی و عملکرد غلط و نیز فساد به عنوان مکانیسمی از توزیع مجدد نزولی یا خارج کردن صعودی) پیشنهاد شده است، گاهی اوقات هدف آن بوده است که فساد به دیگر فرایندها یا پدیده های به هم مرتبط شود؛ مثلاً تعاریف و دسته بندی های اخیر علوم سیاسی تمایل داشته اند که فساد و مبارزه علیه آن را در زمره برنامه های کاری وسیع تر دموکراتیک سازی قرار دهند.

در حالت محدودتر، یک تعریف دقیق و کامل از فساد که آن را به عوامل، بخش ها یا معاملات خاص محدود می کند (مانند فساد که به عنوان انحراف از قوانین رسمی ناظر بر رفتار مقامات دولتی تعریف شده است) می تواند برای مبارزه با فساد مورد استفاده قرار گیرد. اما از آن جایی که این تعاریف موشکافانه ممکن است بخش های مهمی از این مشکل را حل نشده باقی گذارد (مانند فقدان تمایل سیاسی در برخی از رژیم های خاص به منظور مهار فساد) تعاریف وسیع تر و آزادتری؛ مانند فساد به صورت سوءاستفاده از قدرت، باید به کار گرفته شود تا شرایط فساد وسیع و فراگیر بررسی شود.

۲-۱) ماهیت جرم اقتصادی

۱-۲-۱) تفاوت فساد اقتصادی با جرم کلاهبرداری

جرم اقتصادی، غالباً محصول دنیای جدید است. و لذا، همچون جرایم علیه اموال یا جرایم با انگیزه های مالی به سبک گذشته، جرم فقرا و افراد فرو دست محسوب نمی شود. شخصی را که صرفاً به انگیزه های رفع نیاز مالی یا بدون آن، دست به ارتکاب مثلاً جرم سرقت می زند، نمی توان یک مجرم اقتصادی دانست. حتی کلاهبرداری نیز جرم جرایم علیه اموال است، نه جرم اقتصادی، مگر این که میزان موضوع جرم از مبلغ خاصی تجاوز نماید.

جامعه همچنان مجرمین مالی و جرایم علیه اموال را بیشتر مستحق سرزنش می داند. اما تخصصی بودن عملکرد برخی از مجرمین اقتصادی از حیث علمی و عملی، ممکن است باعث شود تا نه تنها مرتکب، چنین احساسی نداشته باشد، بلکه به عکس از درون به زرنگی و مهارت خود افتخار کند. جامعه نیز معمولاً قبح عمل وی را به اندازه ای کافی درک نمی کند و چه بسا برخی هوش و ذکاوت وی را تحسین کنند. (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵)

این دو نوع از جرایم حتی اغلب در بزه دیده جرم هم با هم تفاوت دارند. بزه دیده جرایم اقتصادی اغلب دولت و بیت المال است در حالی که در جرایم علیه اموال بزه دیده اغلب اشخاص حقوق خصوصی اند. (توسلی زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

بنابراین صرف استفاده از ابزار جدید، به تنهایی نوع جرم را تغییر نمی دهد، اگرچه در مراتب شدت و ضعف آن موثر است. به عنوان مثال فرقی نمی کند که شخص با حضور فیزیکی و رو در رو، دیگری را اغفال کند و اموال او را ببرد، یا از طریق انتشار در روزنامه و اعلام شماره حساب بانکی.

۲-۱) تفاوت فساد اقتصادی با جرایمی سنتی

با ظهور مفهوم جرم یقه سفیدی، جرم اقتصادی نیز متحول و وارد مرحله‌ی جدیدی شد. گفتیم که در تعریف اولیه آن این جرم عموماً مربوط به افراد طبقات بالای جامعه است که با استفاده از دانش و تخصص خود و گاه در یک فضای مجازی، مانند فضای سایبری آن را مرتکب می‌شوند و جرم ارتكابی غالباً در جریان یا در ارتباط با فعالیت شغلی آن هاست. جرم اقتصادی از حیث وسیله‌ی ارتكاب جرم نیز دارای ویژگی خاصی است.

جرایم از حیث وسیله‌ی ارتكاب به دو دسته: جرایم متقلبانه و جرایم خشونت آمیز تقسیم می‌شوند. جرایم خشونت آمیز مبتنی بر سوء استفاده از قدرت، زور و به اصطلاح نیروی فیزیکی است. وسایل ارتكابی این گونه جرایم، آشکار و ملموس است. این جرایم به آسانی کشف می‌شوند و رقم سیاه آنها پایین است، اما جرایم خدعه آمیز، بیشتر بر سوء استفاده از نبوغ، توانایی اندیشه، استعداد و نیروی فکری و ذهنی مبتنی است. وسیله ارتكابی در این گونه جرایم، مبهم و نامحسوس است یا میزان تأثیر وسیله در ارتكاب جرم چندان مشخص نیست. جرایمی همچون تقلب مالیاتی، خیانت در امانت، تجاوز به حقوق مصرف‌کننده، پول شویی، کلاهبرداری رایانه‌ای از طریق

سوءاستفاده از داده پیام‌های مالی افراد، سرقت اطلاعات مالی که از آنها غالباً به عنوان مصادیق جرم اقتصادی، نام می‌برند، چنین هستند. (دادخدای، ص ۴۹)

در بحث مسؤولیت کیفری اشخاص و نهادهای حقوقی نیز این تفاوت آشکار می‌شود (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶). البته موضوع مسؤولیت مدنی و جبران خسارت از ناحیه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، قبلاً پذیرفته شده بود. بنابراین وارد کردن بایی از مسؤولیت کیفری متفاوت از گذشته، در راستای وقوع جرایمی ضرورت یافت که موضوع آن را شرکت‌ها، مدیران و مستخدمان آنها در راستای وظایف شغلی تشکیل می‌دادند جرایمی که گاه در همان زمان نیز به نام جرایم اقتصادی از آنها یاد می‌شد.

برخی کشورهای دارای نظام حقوقی کامن لو، این گونه مسؤولیت را تا ارتكاب قتل غیرعمد، منتسب به یک شرکت یا نهاد حقوقی گسترش داده بودند. (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶).

با این حال دانستن این مطلب نباید چندان عجیب به نظر برسد؛ زیرا در نظام حقوقی ایران طبق قانون مجازات اسلامی از دیه به عنوان مجازات نام برده شده است. هر چند رویه قضایی و غالب حقوقدانان، دیه را جبران خسارت و از باب مسؤولیت مدنی می‌پذیرند اما با توجه به مقررات جدید ممکن است شخص حقوقی را بتوان محکوم به پرداخت دیه نمود.

مبنای مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی تا مدت‌ها در حقوق کیفری اروپایی مورد بحث بود. کنگره‌ی انجمن بین‌المللی حقوق کیفری در بخارست به سال ۱۹۲۹ قدم مهمی در پذیرش این مساله بود. (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶).

با این حال اعمال آن در اتحادیه‌ی اروپا، همواره با تردیدهایی مواجه بوده است. بعد از رسوایی ارتكاب چند فقره کلاهبرداری کلان در دهه‌ی ۱۹۹۰، از جمله مورد مربوط به بانک قدیمی در مودف لندن به نام برینگز (۱۹۹۵)، که سبب وارد شدن ضررهای هنگفت مالی و نهایتاً ورشکستگی آن گردید، لزوم وجود یک مسؤولیت کیفری افتراقی در خصوص این گونه جرایم بیشتر احساس می‌شد.

هم اکنون، ضرورت پرداختن به موضوع در نظام های حقوقی سراسر دنیا کاملاً احساس می شود. فرانسه از جمله کشورهایی است که در قانون جزایی اخیر خود (۱۹۹۲) مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی از جمله شرکت ها را مد نظر قرار داده است. (خداییان، ۱۳۹۱، ص ۳۲)

موضوع شخصیت حقوقی، نخستین بار، در قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴ خورشیدی مطرح شد. سپس به موجب قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نظامات و قواعد آن شکل گرفت. در جلد دوم قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ خورشیدی نیز در دو ماده (۱۰۰۲ و ۱۳۳۵) از شخص حقوقی یاد شده است. با این حال در نظام کیفری ایران، از دیرباز، قانون گاه غیر صریح و گاه به صراحت مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده است، ولی هنوز به صورت یک قاعده در نیامده و تنها به صورت موردی بوده است. از اولین قوانینی که می توان از آنها مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی را استنباط کرد، ماده ۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، مصوب ۱۳۳۴ است که به مجازات تعطیلی موسسات پزشک و دارویی که توسط افراد فاقد صلاحیت اداره می شوند، اشاره می کند.

ماده ی ۱۷ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ مقرر نموده است که مسؤلیت کیفری را علاوه بر اشخاص حقیقی، متوجه اشخاص حقوقی نیز کرده است، حال آن که در ماده ی ۷۶ قانون نظام صنفی، رویکردی متفاوت دیده می شود. وجود مواد قانونی ناهماهنگ، اعلام نظر درباره ی پذیرش مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران را مشکل می کرد اما اخیراً و با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی مورد پذیرش قرار گرفت. اگرچه در مسؤلیت مدنی این اشخاص تردیدی نیست. جرم اقتصادی از حیث بزه دیده نیز با سایر جرایم متفاوت است. مفهوم بزه دیدگی در این جرایم غیرملموس و اعتباری است. اقتصاد عمومی، بهداشت و اعتماد عمومی، به نوعی بزه دیده ی نهایی این جرایم هستند. (نجفی، همان، ص ۲۳۵)

که گاه تأثیر آن در طول زمان جلوه گر می شود. به عنوان مثال در جرم کم فروشی و گران فروشی، فروشنده ای که مبلغی به قیمت قانونی کالا اضافه می کند. این مبلغ برای هر کالا ناچیز است و کسی از این حیث خود را متضرر و بزه دیده احساس نمی کند، ولی جمع این مبالغ به تعداد مشتریان، برای شخص گران فروش سود کلانی در بر خواهد داشت که در مدت طولانی، بر نظم اقتصادی کشور از جمله ایجاد تورم تأثیرگذار است. این موضوع در فساد مالی که آن را یکی از مصادیق بارز جرم اقتصادی می دانند نیز دیده می شود، ممکن است ارباب رجوع یک اداره ی دولتی یا یک شرکت خصوصی، با میل و رغبت حاضر به پرداخت رشوه به هر میزان باشد و حتی خود پیشنهاد دهنده باشد تا گرفتار بوروکراسی اداری نشود، اما در دراز مدت، اعتماد عمومی به دولت و نهایتاً نظام حاکم متزلزل و جامعه بیمار خواهد شد. حال آنکه در سایر جرایم، غالباً بزه دیدگی، مستقیم و آنی است.

۳) انواع فساد اقتصادی

فساد اقتصادی ممکن است به صورت آشکارا و یا به طور مخفیانه به وجود آید، فساد اقتصادی طبق بعضی ویژگی های پایه و اصلی دارای انواعی می باشد که انواع اصلی آن عبارتند از: رشوه خواری، اختلاس، کلاهبرداری و اخاذی حتی زمانی که این مفاهیم تا حدی با هم تداخل کرده با مفاهیم دیگر جا به جا شوند، انواع خاصی از فساد را ایجاد می کنند.

۳-۱) رشوه

رشوه پولی است (به شکل پول یا هر چیز دیگر) که در یک رابطه فاسد پرداخت یا دریافت می شود. پرداخت یا دریافت رشوه به خودی خود وبدونه در نظر گرفتن علل عوامل دیگری فساد تلقی می شود. رشوه عبارت است از مبلغی ثابت، و به صورت های مختلفی اخذ می گردد از جمله: درصد مشخصی از یک قرارداد و یا هر پرداخت پولی دیگری که معمولا به یک مأمور دولتی داده می شود تا بتواند قراردادی را از طرف دولت تنظیم کند و به صورتی دیگر منافع آن را به شرکت ها، افراد، تجار و مشتریان واگذارد.

رشوه می تواند بین دو فرد و یا یک فرد و یک سازمان عمومی اتفاق بیفتد. واژه های معادل بسیاری برای رشوه خواری وجود دارد که عبارتند از: بازپرداخت، دستخوش، جوش دادن معامله، انعام، شیرینی، زیره میزی و غیره که همه آن ها نشان دهنده شکلی از فساد برحسب پول یا منافی هستند که به کارمندان بخش خصوص، متصدیان دولتی یا سیاستمداران داده می شود، پرداخت رشوه عموما از طرف افراد سود جو به متصدیان پرداخت می گردد و عموما به این نحو است که کارکنان پیش از اینکه در مورد کاری تعهد کنند یا مجوزی صادر نمایند از طرف مقابل پول دریافت می کنند سپس کار او را انجام می دهند (سگراوز، ۲۰۱۲، ص ۹۸)

پرداخت ها، عموما درآمدهایی هستند که گاه لازم است پرداخت شوند تا بر خی از امور سریع تر، راحت تر یا مطلوب تر، از طریق بخش خصوصی با بوروکراسی های دولتی انجام پذیرد. افراد با پرداخت رشوه به شرکت ها و گروههای ذی نفوذ می توانند مساعدت سیاسی به دست آورند و از پرداخت مالیات و بند قوانین بگریزند، تا از این طریق به بازارها و انحصارهای مطمئن و گواهی های واردات و صادرات و قرارداد های بزرگ دولتی در زمینه کالا های سرمایه ای، تأمین پیوسته، پروژه های بزرگ مهندسی عمران، ساخت و ساز و غیره دست پیدا کنند.

در جرم بودن رشوه و پلیدی آن فرق نمی کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن رشوه گرفته، داشته باشد یا خیر و تفاوت نمی کند که کاری که برای راشی می بایست انجام شود، حق باشد (بر طبق قانون) یا نه در همه این موارد پرداخت و دریافت رشوه دارای نفسی زشت و کاری ناصواب است. (اسلامپور کریمی، ۱۳۸۷، ص ۷۹).

۳-۲) کلاهبرداری

کلاهبرداری نوع دیگری از فساد اقتصادی است که می تواند در میان اعضای یک شرکت که از آن برای منافع شخصی سوء استفاده می کنند به وجود آید. این نوع از کلاهبرداری هم در بخش های عمومی و هم در بخش های اختصاصی یافت می شود (سگراوز، ۲۰۱۲، ص ۸۹).

کلاهبرداری عبارت است از اقداماتی که به روشهای مختلفی از جمله: تحریف یا استفاده ماهرانه از اطلاعات، واقعیت ها و دانش فنی به وسیله مقامات دولتی که بین شهروندان و سیاستمداران قرار دارند و می خواهند به منافع شخصی شان بر سند صورت می گیرد. کلاه برداری معمولاً زمانی می تواند رخ دهد که یک نماینده دولتی که از سوی مافوقش مسئول اجرای دستورات یا وظایف اختصاص است از جریان اطلاعات برای منافع شخصی خود استفاده کرده و موجب دست یابی افراد سود جو به اطلاعات حساس و گاه محرمانه گردد.

اقتصاددانان به منظور مطالعه و واکاوی پدیده کلاه برداری از تئوری معروف مدیر و کارمند یا تئوری مشوق استفاده می کنند.

کلاهبرداری دارای معنای عامی می باشد، معنی حقوقی و وسیع تری دارد و مفاهیمی فراتر از رشوه خواری و اختلاس را شامل می گردد، کلاهبرداری دارای ویژگی های خاصی است، به کار بردن وسیله متقلبانه، اغفال مالباخته و تسلیم مال از طرف وی به کلاهبردار از جمله این ویژگی ها می باشد که در سایر جرایم وجود ندارد. به لحاظ اینکه جرم مذکور به روشهای مختلف واقع می شود، تحولات اجتماعی از جمله عوامل هستند که در تغییر چهره های مختلف کلاهبرداری نقش مؤثر و مستقیم دارند و لازم است در بررسی این جرم به نکات مذکور توجه بیشتری شود تا هم حقوق متهمان حفظ شود و هم کلاهبرداران با اغفال مخاطبین خود اموال آنها را به یغما نبرند (حبیب زاده، ۱۳۷۷، ص ۶۸).

۳-۳) اختلاس

سرقت منابع عموماً به وسیله افرادی اتفاق می افتد که کارمندان فاسد و غیر درستکار از کارفرمایان خود سرقت کنند، اختلاس معمولاً در بستری اتفاق می افتد که متصدیان دولتی به صورت نادرست از منابع عمومی استفاده می کنند بنابراین زمانی که مقامات دولتی از مؤسسات دولتی که در آن مشغول به کار هستند، دزدی می کنند و از منابعی که مردم باید از آنها بهره بگیرند، می دزدند، و این روند منجر به اختلاس بسیار مهلک و ضرر زننده ای می شود.

شکل دیگری از اختلاس زمانی اتفاق می افتد که کسی اجناس شرکت را برای استفاده شخصی خود بردارد. بنابراین اشخاصی که توانایی تنظیم دوباره سرمایه و پنهان کردن این حقیقت که سرمایه مفقود شده است را دارند، متخلف هستند (سگراوز، ۲۰۱۲، ص ۵۷).

جایگاه اختلاس از دیدگاه حقوقی، از منظر حقوقی اختلاس فساد محسوب نمی شود؛ بلکه در تعاریف گسترده تری بیان می شود. جایگاه اختلاس از منظر قانونی عبارت است از: فساد معامله ای بین دو نفر که یکی از آنها فردی است کارمند دولت و دیگری فردی است عادی.

اختلاس از منظر قانونی زمان رخ می دهد که کارمند دولت از حد و حدود قانون و مقررات فراتر می رود تا در قالب رشوه یک نفع شخصی برای خود فراهم کند. به بیان دیگر اختلاس را سرقت محسوب می کنند؛ زیرا در عمل اختلاس به نحوی دزدی به ظاهر قانون مند از منابع عمومی مردم با تبانی متصدیان و سود جویان است. هرچند که در اختلاس به ظاهر هیچ دارایی فردی به سرقت نرفته است اما باید توجه داشت که تک تک شهروندان حقوق قانونی خود را از دست داده اند و مغبون شده اند. چراکه زمانی که منابع مالی اختلاس شوند، عموم مردم محروم شده اند.

بسترهایی که اختلاس از طریق آنها به وجود می آید عبارتند از: تعدیات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت و یا سایر مأموران به خدمات عمومی که به صورت تعدی به اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر، به وجود می آید و همواره به عنوان تهدیدی جدی علیه دولت و ملت قلمداد می گردد. اختلاس در صورتی جرم محسوب می شود که همراه با آن تصاحب و برخورد مالکانه کردن با مال صورت گیرد، می توان دایره این جرم را به اموال بانکهای خصوصی، شرکتهای سهامی غیر دولتی، احزاب، سندیکاها و نیز به اموال غیرمنقول نیز تعمیم داد (رمضانی، ۱۳۷۹، ص ۴۸).

۳-۴) باز پرداخت

باز پرداخت را می توان در حقیقت نوعی کمیسیون دانست که از قبل در عوض خدمتی که ممکن است استرداد شود به رشوه گیرنده داده می شود، در کسب و کار مفهوم بازپرداخت به پرداخت هایی اطلاق می گردد که توسط فروشندگان و در عوض مقابل قرارداد هایی که موجب تورم بیش از حد هزینه کار انجام شده هستند، صورت می گیرد. (سگراوز، ۲۰۱۲، ص ۷۸).

۴) مبانی حقوقی جرایم اقتصادی

۴-۱) مبانی حقوقی جرم رشا و ارتشاء

در نظام حقوقی ایران مواد متعددی به جرم ارتشاء تصریح کرده است که به برخی از آن مواد اشاره می می شود از جمله، مواد ۴، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، و ۳۱ ماده واحده قانون متمم قانون دیوان جزای عمال دولت مصوب ۱۳۰۸/۸/۰۳، در ماده ۱۰ این قانون با اقتباس از قانون فرانسه، رشوه اختصاص به مالی که به قاضی میدهند، نیافته است. (ملازمیان، ۱۳۸۷، ص ۲۳)

بر اساس اصل ۴۹ قانون اساسی و تبصره ۲، ماده ۳ قانون تشدید مجازات و ماده ۹۱ قانون مجازات، ضبط مال الرشا به عنوان تعزیر راشی مطرح شده اما مطابق نظر فقها: «یجب علی المرتشی اعادة الرشوة الی صاحبها و لو تلفت قبل وصولها الیه فمئنها له.» (طباطبایی، ۱۴۰۴، ص ۳۹۴)

در اجرای حکم برای فرد رشوه دهنده آنچه به نظر می رسد این است که اگر قانونگذار عادی بخواهد برای راشی از باب تعزیر جزای نقدی در نظر بگیرد به نظر می باید با تصریح به لزوم استرداد مال الرشا به راشی، او را معادل مال مذکور به جزای

نقدی محکوم سازد، نه آنکه مال الرشا را به عنوان تعزیر مالی به نفع دولت ضبط و ثبت نماید. در اینصورت است که می توان گفت اجرای مجازات مذکور تابع قواعد کلی حاکم بر اجرای مجازاتها است. (حبیب زاده، ۱۳۷۹، ص ۳۵)

قانونگذار مجازات راشی را به شدت مجازات مرتشی قرار نداده، و دلیلی که برای آن ذکر نموده عبارت است از: «مرتشی با اخذ رشوه حقیقت و شرافت خود را می فروشد. پر و بال فرشته عدالت را می سوزاند و کفه ایفای وظیفه یا شاهین قضا را به ضربات سهمگین انحراف از موازین امانت به طرف ناحق و به جانب بیدادگر متمایل میکند، ولی رشوه دهنده طالب حاجت است و برای پیشبرد مقصود خود به این حربه برنده متوسل میگردد و چه بسا ذی حق هم باشد و با علم به حقانیت خود خویش را ناچار از ارتکاب این بزه میبیند و اگر مرتشی تسلیم نشود و راشی بداند که در مزاج زمامدار یا دادرس، رشوه سازگار نیست قطعاً به زیان خود به پرداخت رشوه مبادرت نخواهد کرد». (حبیب زاده ۱۳۷۹، ص ۴۱)

همچنین مواد ۳ و ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ و ماده ۳ این قانون در مورد ارتشا بوده و مجازات آن مستقل از مجازات راشی در قوانین دیگر آمده است. از جمله ایرادات وارد بر این ماده، سیستم درجه بندی مجازات بر حسب ارزش وجه یا مال مأخوذ است که موجب تفاوت زیاد مجازات در موارد اختلاف چند ریال وجه یا مال مأخوذ است. در متن این ماده بعضی از کارکنان را مورد خطاب قرار نداده و در باره آنها سکوت کرده که عبارتند از: کارکنان مجمع تشخیص مصلحت نظام و نهاد نمایندگی مقام رهبری، و در مورد اینکه این ماده قانونی شامل این دو گروه هم می شود یانه دو فرض را می توان بررسی کرد؛ اولاً، با توجه به ذکر کلمات قوای سه گانه و نهادهای انقلابی این دو مرجع را نیز مشمول این ماده بدانیم؛ دوماً، اینکه با توجه به اصل تفسیر مضیق و اصل تفسیر به نفع متهم، اعمال این افراد را خارج از شمول این ماده در نظر بگیریم. (گلدوزیان ۱۳۸۶، ص ۳۶۵)

همچنین مطابق تبصره ۵ همین ماده ملاحظه می شود، به نظر می رسد تفاوت بین این دو حالت این باشد که در صورت اول هرگاه امتیاز طبق مقررات واگذار شده باشد، لغو نخواهد شد و درحالی که در صورت دوم امتیاز در هر حال حتی اگر براساس مقررات هم اعطا شده باشد لغو می شود که این نیز تنبیه مضاعفی است برای راشی، در حالت اول به دلیل مؤثرتر بودن همکاری راشی، کل مال پرداخت شده به وی باز گردانده می شود درحالیکه در صورت دوم تنها نصف آن به او مسترد می شود و در مورد امتیاز نیز برابر مقررات عمل می شود درحالی که در حالت دوم امتیاز لغو می شود؛ (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۱، ۳۹۹) و بند (۱۷) ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷، مواد ۴۲ و ۹۱ تا ۹۷ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲

از جمله ایرادات وارد بر این قانون، صرف نظر کردن قانونگذار از جرم انگاری در خصوص پیشنهاد دادن یا گرفتن وجه، مال یا سند است. (صادقی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۸) مواد ۱۱۸ تا ۱۲۴ و ماده ۱۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹

البته که بر این قانون اشکالات وارد شده است، از جمله این که؛ اولاً، با توجه به تشدید مجازات مرتکبین ارتشا مصوب ۱۳۶۷ نیازی به تصویب این ماده جدید که از حیث نصاب مالی و مجازات دارای تشابهاتی با آن قانون بوده، نیست. ثانیاً، در بند الف ماده ۱۱۸ حبس از یک تا پنج سال و در بند ۲ حبس از دو تا ده سال حسب مورد تعیین شده حال آن

که فاصله مدت زمان منطقی حبس رعایت نشده است. (قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء مصوب ۱۳۶۷) ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۸۵/۳/۲۴ در طرح اعلام اسامی مفسدان اقتصادی، در این طرح نیز، قائل شدن حداقل از حیث مبلغ عواید حاصل از جرم، قابل انتقاد می باشد (ملازمیان، ۱۳۷۸، ص ۲۷) ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.

از مفاد این قوانین می توان دریافت که روش قانونگذار، توجه به معنای لغوی و عرفی رشوه بوده است آنرا مختص باب قضا نمی دانند، لکن در کتابهای فقهی این بحث محل اختلاف است و اکثر فقها رشوه را مختص باب قضا میدانند و حرمت رشوه در سایر ابواب را با قاعده «حرمت اکل مال به باطل» توجیه می کنند. (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲)

در پاسخ به نظر فقها می توان به دلایلی استناد نمود: اولاً، کلمات والی و یا حاکم که در آیات و روایات مربوط به بحث رشوه به کار رفته، تنها منصوب به حاکم شرع و قاضی نمی باشد. به گواهی تاریخ و کتب فقهی، والی و حاکم در معنای حکمران و صاحب حکومت نیز دارای کثرت استعمال بوده که لزوماً تمامی آنها حاکم شرع و قاضی نبوده اند. گذشته از آنکه در برهه ای نیز به دلیل سادگی حکومت آن زمان، قاضی و والی و فرمانده نظامی و امثالهم منحصر به یک فرد بوده است (دادویی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

ثانیاً، عبارت «تَحَاكُمُ الی الطَاغُوتِ» که در قرآن بارها در آیات مختلف آمده است، تنها منصرف به قاضی و امر و قضاوت نیست و اساساً به معنای اعلام و عرض حاجت در رفع مشکلات و نیازها و همکاری با طاغوت و طاغوتیان است که چنین عملی را ممنوع نموده است. (نورزاد، ۱۳۸۳، ص ۸۲).

ثالثاً، آن گونه که از اخبار و روایات تاریخی و دینی استنباط می گردد، اساساً در ادوار مختلف اسلامی، شیعه و تشیع دارای پایگاه حکومتی در جامعه نبوده اند و معمولاً در انزوا قرار داشته اند، بنابراین عالمان شیعه مجالی جهت طرح نظرات حکومتی خود نداشته اند. همان گونه که قانونگذار در ماده ۱۱۸ قانون جرایم قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح با توجه به عبارت «در حکم مرتشی» به نظر می رسد از قول مشهور تبعیت نموده است و نکته قابل ذکر اینکه در فقه زمانی که در خصوص موضوعی خاص، حکمی وجود دارد، در موارد شباهت معیارها و مصادیق موردی دیگر که به طور خاص حکمی در خصوص آن وارد نشده است، با تسری حکم خاص به عمل دیگر، آنرا در حکم عمل اصلی محسوب نموده و آثار احکام آن را مترتب می نماید. پس ایراد این قانون این است که اساساً مقنن اصل ارتشاء را در هیچ ماده ای جرم انگاری ننموده است تا نوبت رسد به جرم انگاری اعمال در حکم ارتشاء. (ملازمیان، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

۴-۲) مبانی حقوقی اختلاس

جرم اختلاس در حقیقت برگرفته از واژه فرانسوی (détournement ou soustraction) است. (پارسایار، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷) در نظام حقوقی ایران مواد متعددی به جرم بودن اختلاس اشاره دارد، از جمله اصل ۴۹ قانون اساسی، ماده ۱۷ قانون شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۸/۳، ماده ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵، ذکر عبارت نیروهای مسلح در ماده ۵ این قانون با توجه به قانون مجازات جرایم نیروهای

مسلح، موضوعاً منتفی است و اختلاس نظامیان مشمول ماده ۱۱۹ قانون مذکور مصوب ۱۳۸۲ می باشد. (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۱۹)

همچنین جرم اختلاس در نظام حقوقی ایران با توجه به صراحت ماده ۵ این قانون مختص کارکنان دولت بوده و کارکنان بخش خصوصی را حتی اگر در ارتباط با وظایف عمومی مشغول به فعالیت باشند، نمی توان به اتهام اختلاس تحت تعقیب قرار داد. (خانی و شیرازی ۱۳۹۲، ص ۶۰) ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۱/۴/۹، ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ از جمله ایرادات وارد بر این ماده این است که صرفاً به بیان مطلق مجازات اداری بسنده کرده و همچنین مجازات جزای نقدی نیز در آن گنجانده نشده است. (حبیب زاده و منصور آبادی، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

ماده ۱۱۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ رکن مادی جرم اختلاس: اختلاس در قانونی تصاحب مال دیگری است. رکن معنوی: این جرم در حقوق واقع نمی شود مگر با قصد مجرمانه مجازات: مجازات مختلس از نوع تعزیرات است. ویژگی جرم مختلس: بر مبنای قانون، مختلس فقط باید کارمند دولت باشد. موضوع جرم: موضوع جرم اختلاس اموال منقول و اموال غیر منقول را نیز در برمی گیرد.

۴-۳ مبانی حقوقی اخذ پورسانت

قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷، حسب این قانون پورسانت فقط در معاملات خارجی جرم تلقی شده و اشاره ای به معاملات داخلی در آن نیست. همچنین در حالتی که پورسانت دریافتی توسط مرتکب جرم به حساب خزانه دولت پرداخت شود، جرم و تخلفی متوجه گیرنده پورسانت نخواهد بود. همچنین طبق تبصره ۳ این قانون در صورتی که شخص پورسانت بگیرد اما این موضوع را به اطلاع مسئولین برساند و وجه مزبور را نیز به صاحب خزانه واریز نماید مشمول ماده فوق نمی شود. (روزنامه رسمی، مورخ ۱۳۷۲/۳/۲، ص ۲۱).

ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ این ماده قانونی، فقط اخذ پورسانت توسط افسار نظامی را شامل می شود، طرح اعلام اسامی مفسدان اقتصادی مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۵، ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱

مقایسه جرم اخذ پورسانت و ارتشاء جرم اخذ پورسانت و ارتشاء از جمله جرایم مقید بوده و از نظر عنصر روانی نیز از جرایم عمدی محسوب می گردند. شروع به این جرایم در هر دو مورد، جرم و مستوجب مجازات مقرر قانونی است. از حیث موضوع جرم هر دو بصورت مستقیم یا غیر مستقیم می باشد و همچنین در خصوصیت مرتکب جرم که الزاماً باید رابطه استخدامی با دولت داشته باشد، دارای اشتراک می باشند. (ولیدی، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

از جمله تفاوت های این دو جرم، نحوه ارتکاب جرم است. جرم پورسانت معمولاً در قبال انجام معامله با شرکت خارجی و به تمایل فروشنده و موافقت ضمنی مامور دولتی طرف معامله صورت می گیرد، در حالی که در جرم ارتشاء کارمند دولت در قبال انجام دادن یا خودداری از انجام امری که مربوط به وظیفه او یا یکی از دیگر سازمانها و مؤسسات دولتی است، تحقق پیدا

می کند. همچنین از لحاظ موقعیت پرداخت کننده، در تحقق جرم ارتشاء، راشی خصوصیتی نداشته و می تواند هر شخصی باشد. اما در جرم اخذ پورسانت، الزاماً طرف مقابل باید شخص حقیقی یا حقوقی خارجی باشد. از نظر عنصر قانونی نیز طبیعتاً بین این دو جرم تفاوت وجود دارد. مجازات جرم ارتشاء به مراتب وسیعتر و شدیدتر از جرم اخذ پورسانت است. (همان)

۴-۴) مبانی حقوقی پولشویی

اصل ۴۹ قانون اساسی و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ همین قانون، بر اساس ماده ۱۰ همین قانون، مجرم از حیث جرم مقدم، به مجازات لازم محکوم می شود، ولی در مورد ارتکاب پولشویی، که جرم مؤخر نسبت به این جرم است، تنها هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ جرم تلقی شده است. این قانون، گرچه زمان خود قانونی مناسب و لازم می نمود و حتی امروزه نسبت به برخی از مظاهر پولشویی قابل اجراست، در عین حال، تمامی مصادیق جرم سازمان یافته قبل از اخفاء یا تبدیل ماهیت، منبع محل وضعیت، نقل و انتقال یا تملک حقوق مربوط به این اموال با علم به اینکه این اموال درآمد جرم است، مورد جرم انگاری قرار نگرفته است. علاوه بر آن، نقل و انتقال هایی را که برای فرار از مالیات و امثال آن صورت می گیرد، شامل نمی شود و هیچ گونه تدبیر نظارتی و امثال آن نیز در آن پیش بینی نشده است، یا قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ در انتقادات وارده به ماده ۹ این قانون می توان گفت: اولاً، بین مجازات و جرم پولشویی هیچگونه تناسبی وجود ندارد و مجازات مقرر به هیچ عنوان جنبه بازدارندگی و ارعابی ندارد، ثانیاً، شروع به پولشویی در این قانون جرم انگاری نشده و قابل مجازات نمی باشد، ثالثاً، در لایحه اولیه پولشویی ضمن اینکه همچون سایر جرایم، مشارکت در پولشویی از نظر مجازات با مباشرت یکسان بود، در این قانون برای معاونت مجازات خفیف تری در نظر گرفته شده که با انتقاد مواجه گردیده است. (سلیمی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰).

یکی از مواد که به جرم فوق اشاره می کند، ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴/۶/۲۸ می باشد یا ماده ۲۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷. از نظر فقهی، پولشویی نمی تواند عنوان مجرمانه بگیرد، زیرا از عناوین مستحدث نیست و به اتفاق فقها، ذیل عناوین مجرمانه (حدود و تعزیرات) واقع نگردیده است. تطهیر مال دارای سه عنصر غش، تدلیس و ضمان ید است که از منظر فقها با مسئولیت کیفری و مجازات مترتب با آن و نیز با قاعده جزایی «درء الحدود» و «اصل براءة» سازگار نیست و تنها موجد مسئولیت مدنی و پیامدهای آن می باشد، هیچ یک از آیات و روایات پولشویی را جرم تلقی نکرده و مجازاتی درباره آن ذکر نکرده است. (سالارزایی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲)

۴-۵) مبانی حقوقی جعل اسکناس و اوراق بهادار

مواد متعددی در مورد جرم ناشی از جعل اسکناس و اسناد وجود دارد از جمله ماده ۲۶ قانون تعزیرات، که به مصادیق جعل سند یا مهر یا امضاء دیگران، خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن و مثل این ها اشاره کرده است (مصلائی، ۱۳۸۲، ص ۱۸).

اصل ۴۹ قانون اساسی، ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک کشور مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس معجول مصوب سال ۱۳۶۸/۱/۲۹، بند الف ماده ۱ و ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹

از جمله انتقادات وارد بر این قوانین، تکراری بودن آنهاست، موضوع واحدی در دو قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلاص گران، تکرار شده است. بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلاص گران با ماده ۲۱ قانون تعزیرات در تقابل می باشد. (ملازمیان، ۱۳۸۷، ص ۸۵) یا مواد ۲۱ تا ۴۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ برخی از مواد این قانون از مصادیق جرم جعل نیستند، مشکل بتوان شروع به ارتکاب این جرایم را به موجب ماده ۵ قانون مجازات جدید تعیین کرد. (همان) ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱

۴-۶ مبانی حقوقی قاچاق کالا و ارز

جرم قاچاق در اصطلاح به معنی هر گونه استفاده از مال موضوع درآمد دولت، بدون پرداخت درآمد مقرر و یا ورود و صدور مال ممنوع و یا تحصیل اموال انحصاری از غیر کانال دولتی و انجام هر گونه اقدامی که قانوناً در حکم قاچاق محسوب شده است. (آقازاده، ۱۳۸۴، ص ۴) قوانین متعددی به این نوع جرم اشاره کرده دارد که به برخی آنها اشاره می شود، از جمله، اصل ۴۹ قانون اساسی، ماده ۱۴ قانون کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۵، لایحه مربوط به تلقی قاچاق اتومبیل های خارجی مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۰ و ماده ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ می باشد.

قانونگذار در این لایحه با عباراتی بعضاً مبهم، به سیاست جنایی اقتدارگر و پاسخ های رسمی و دولتی در برابر بزه و همچنین بر استفاده از مجازات های تریبی و تزدیلی، صحه گذاشته است. (ملازمیان، ۱۳۸۷، ص ۷۲۱).

قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲. ماده ۲ این قانون جدای از محاسن آن، دارای ایراداتی نظیر افزایش ریسک قاچاق و احتمال استخدام مزدورانی جهت قاچاق فرار از حضور در محاکم و ضمانت اجراهای کیفری خواهد بود. (رحمدل، ۱۳۸۵، ص ۵۳) ایراد دیگر، تعدد مراجع رسیدگی به این امر واحد است که یکی از آسیب های سیستم قضایی می باشد. (حبیب زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۴۵) همچنین از جمله شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق قاچاق، وجود تشریفات و موانع قانونی در خصوص کالای خاص یا ارز است، یعنی لزوماً باید مقرراتی در جهت ورود، خروج، خرید و یا فروش کالای خاص یا ارز وجود داشته باشد.

همچنین صدق عنوان کالا بر موضوع جرم نیز از ضروریات تحقق این جرم است. همچنان که در نبود تفسیر مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر تسری قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی ۱۳۷۴ بر مشروبات الکلی پیگیری قاچاق این فرآورده با مشکل مواجه بود تا اینکه این مشکل در ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ در خصوص مشروبات الکلی مرتفع شد؛ لیکن به نظر می رسد این خلاء در صورت پیدایش محصولات مشابه که فاقد مالیت براساس نظام حقوقی ما باشد همچنان با مشکل مواجه است. (خانی و شیرینی، ۱۳۹۲، ص ۱۶).

ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، با بند دال ماده ۱ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی، در تقابل می باشد، ماده ۱ و ۳ اصلاحیه مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۰، آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز اصلاحی ۱۳۸۱/۶/۱۷. ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳

۴-۷) مبانی حقوقی ورشکستگی به تقلب

طبق ماده ۹۴۵ قانون تجارت، تاجر ورشکسته به تقلب دارای شرایط زیر است: الف: مفقود نمودن دفاتر تجاری. ب: مخفی نمودن یا از میان بردن قسمتی از دارایی به طریق موضعه (تبانی) و معاملات صوری. ج: افزون نشان دادن دیون به وسیله اسناد یا صورت دارایی و قروض (تراز نامه) به نحو متقلبانه، باید گفت که هدف از طرح ورشکستگی در زمره مفاسد اقتصادی، بررسی ورشکستگی به تقلب به عنوان جرمی که حاکی از تزویر و حيله تاجر است، می باشد. بنابراین ادله حرمت تدلیس، فریب و دروغ و تقلب بر این امر دائر است، به دلیل اینکه ورشکستگی به تقلب، جزء جرایم جدید اقتصادی است، بنابر این آیات به تنهایی نمی توانند مبنای حرمت آن باشند و نظریات فقها و قوانین را باید از دلایل اصلی ممنوعیت ورشکستگی به تقلب برشمرد، از جمله مواد ۱۷۳ تا ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و یا ماده ۱۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ که مطلقاً در خصوص اقرار ورشکسته می باشد.

از بررسی مفاد این قانون می توان گفت قانون، صرفاً فرد ورشکسته به تقلب را تاجر می داند همانگونه در ماده ۵۴۹ این قانون آمده ولی در فقه اسلامی برخلاف قانون، تفکیک میان تاجر و غیر تاجر در اقامه دعوی اعسار یا توقف وجود ندارد. نهایتاً باید ذکر کرد که؛ قوانین در خصوص جرایم اقتصادی کلان (رشوه، پورسانت، پولشویی، اختلاس، جعل اسکناس، قاچاق کالا و ارز، ورشکستگی به تقلب) دچار کاستی هایی است زیرا: برخی از این جرایم دارای صور خاص در قوانین متفرقه هستند و به عبارتی دیگر تکراری بوده بدون اینکه کاستی های آن در قوانین جدید برطرف شده باشد همچون رشوه. برخی جرایم نیز به علت نقص در قوانین، امکان مقابله با آن وجود ندارد، همچون پولشویی که نمی توان بدون اثبات سرمنشا اصلی پول کثیف، به مجازات مجرم پرداخت به خصوص اینکه در هیچ یک از منابع فقهی، عنوان پولشویی مجازاتی در پی نداشته است. برخی دیگر نیز همچون پورسانت، به دلیل مستحدثه بودن و جرم انگاری سریع، حدود و ثغور آن به طور صحیح در قانون مشخص نشده است. حسب مفاد قانون، اخذ پورسانت فقط در معاملات خارجی جرم تلقی شده و در حالتی که پورسانت دریافتی به حساب خزانه دولت پرداخت شود یا به اطلاع مسئولین برسد، جرم نیست. بعضی از قانون های ناظر به قاچاق هم ابهام هایی دارد.

جرایم اقتصادی به موازات پیشرفت علم در حال رشد و گسترش است و شیوه های جدیدی از آن در فضای الکترونیکی و دنیای سایبر در حال شکل گیری و جریان است.

ضرورت دارد مجتهدان ما در مورد این جرایم بررسی بیشتری به عمل آورده و بر اساس معیارها و موازین شرعی به تطبیق این مصادیق جدید پرداخته و راه را بر قانونگذاران هموار ساخته و ابهامات را برطرف سازند تا از هر طرف گلوگاهها بر مجرمین اقتصادی بسته شود.

نتیجه گیری

به نظر می رسد که فساد اقتصادی در ایران محصول ضعف ترتیبات نهادی، نظام انگیزشی و فرصت طلبانه است، که اگر یک طرح جامع برای مبارزه با این جریان نامطلوب و هدفمند سنجیده نشود، دستاوردی همه تلاش ها جز اتلاف زمان و هدر رفتن منابع اقتصادی نخواهد داشت. متأسفانه با وجود منابع «مالی، انسانی و زمان» هنگفتی که طی سالهای اخیر صرف مبارزه با فساد اقتصادی در کشور شده است، همچنان شاهد روند روبه گسترش این پدیده در کشور هستیم؛ چنانکه گویی مهارشدنی نیست و هرگونه کوششی در این راه، دستاوردی جز اتلاف منابع ارزشمند ملی نخواهد داشت امروزه آثار زیانبار مفاسد اقتصادی بر سلامت اقتصاد و ثبات سیاسی کشورها و در نتیجه آسیب به ارزش های اخلاقی و حاکمیت قانون بر همگان روشن شده است و در جمهوری اسلامی ایران نیز صدور مجموعه هایی از فرامین و تدابیر از سوی مقام معظم رهبری و وضع قوانین و مقررات در دهه اخیر نشان می دهد که فساد اقتصادی تهدید جدی برای حاکمیت ارزشهای اسلامی به عنوان اهداف نظام و تخریب کننده ی اعتماد مردم به مثابه سرمایه اصلی آن ارزیابی شده است، مفسدان اقتصادی در درون سیستم هستند و به روش های مختلف در راه مبارزه با فساد سنگ اندازی می کنند؛ بر همین اساس، مبارزه با فساد ساده نیست، مبارزه مؤثر با جرایم اقتصادی بدون راهبرد جامع و یکپارچه ملی، ممکن نیست و یا حداقل به نتیجه مطلوب نمی رسد، شناسایی نقاط آلوده یا مستعد برای ارتکاب جرایم اقتصادی، اقدامات پیشگیرانه نظیر شفاف سازی امور و شایسته سالاری، جرم انگاری انواع این رفتارها از عناصر اصلی این راهبرد خواهد بود.

از سویی تجربه نشان می دهد که برخورد قهری یا قضایی با جرایم اقتصادی به تنهایی کفایت نمی کند و این جرایم پدیده پیچیده ای هستند که باید قبل از هر چیز از آنها پیشگیری شود، در مرحله بعد چنانچه جرمی روی داد، باید قوانین و اجرای آنها به گونه ای باشد که نه تنها مرتکبان مجازات شوند بلکه ترتیبی فراهم شود که آثار آن نیز با روش های ممکن رفع شود، در مورد واکنش های حقوقی باید گفت ماهیت جرایم اقتصادی طوری است که به قوانین شکلی بعد خاصی داده است. اگر چه هنوز در خصوص تعریف این جرایم و مصادیق آن جامعیتی وجود ندارد، ولی با تلاش حقوق دانان یک جمع بندی کلی در این زمینه وجود دارد که آن را در حقوق کیفری اقتصادی مطرح و تعریف می کنند، از این مباحث می توان یک نتیجه عملی و جربی گرفت و آن این که مبارزه با فساد هنگامی زمانی می تواند موفق باشد که قوانین به صورت صحیح و جدی اجرای شود.

منابع

۱. توسلی زاده، توران، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ سیزدهم، کتابخانه گنج دانش، تهران ۱۳۸۲.
۳. حبیب زاده، محمد؛ نجفی ابرنآبادی، علی حسین و کیومرث کلانتری، "تورم کیفری، عوامل و پیامدها"، نشریه مدرس، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰

۴. حبیب زاده، محمدجعفر، مجله دادرسی، شماره ۸، خرداد و تیر ۱۳۷۷.
۵. خدایان چگینی، ذبیح اله، بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، شماره دوم، ۱۳۹۱.
۶. دادخدایی، لیلا. فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن: با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
۷. دادخدایی، لیلا، "مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن"، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۹.
۸. دادخدایی، لیلا، سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قلمرو مفاسد اقتصادی با تکیه بر کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، پایان نامه دکترای تخصصی، مدرسه عالی شهید مطهری ۱۳۸۹.
۹. سلیمی، صادق، "مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران"، فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸ شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷.
۱۰. ماده ۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳ مریدا.
۱۱. محنت فر، یوسف، فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی، ۱۳۸۷.
۱۲. میر محمد صادقی، حسین؛ حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۷.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، "تحلیل جرم‌شناسی جرایم اقتصادی"، مجله تعالی حقوق، سال اول، شماره ۵، بهمن ماه ۱۳۸۵
- قانون تجارت مصوب، ۱۳۱۱.
- قانون ثبت اسناد و املاک کشور مصوب ۱۳۱۰.
- قانون مبارزه با پول شویی، مصوب ۱۳۸۶.
- قانون مبارزه قاچاق کالا و ارز مصوب، ۱۳۹۲.
- قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی، مصوب، ۱۳۶۹.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مجازات جرایم نیروی های مسلح مصوب ۱۳۸۲.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳.